

بررسی رابطه بین فرهنگ پذیری و میزان مشارکت فرهنگی معلمان در بالا بردن جامعه پذیری دانش آموزان

اکرم تقی پور

کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه پیام نور، ایران

چکیده

تحقیق سعی دارد به بررسی رابطه بین فرهنگ پذیری و میزان مشارکت فرهنگی معلمان در بالا بردن جامعه پذیری دانش آموزان پرداخته می شود؛ مطالعه حاضر توصیفی پیمایشی از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری، کلیه معلمان شهرستان قزوین می‌باشند، که با توجه به تعداد کل جامعه آماری با استفاده از روش تصادفی، ۲۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه آماری و پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت آزمودنی‌ها، به بررسی و اجرای ابزار اندازه گیری در این تحقیق پرداخته شد. ابزار اندازه گیری در این تحقیق پرسشنامه استاندارد فرهنگ پذیری و همچنین پرسشنامه استاندارد تائورمینا (۱۹۹۴) می باشد که اعتبار روایی آن‌ها مورد تایید اساتید متخصص و پایایی آن‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب با ضریب ۸۰٪ و ۷۴٪ برآورد و تایید شد. نتایج یافته‌های به دست آمده نشان داد که بین فرهنگ پذیری و میزان مشارکت فرهنگی معلمان در بالا بردن جامعه پذیری دانش آموزان رابطه مستقیم و خطی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ پذیری، مشارکت فرهنگی، جامعه پذیری، دانش آموزان.

مقدمه

اجتماعی شدن یا جامعه پذیری مفهومی است که به توصیف و تبیین چگونگی رفتارهایی می پردازد که فرد را قادر می سازد تا با فرهنگ جامعه خودش سازش یابد. در واقع، جامعه پذیری «فرآیندی است که بر اساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند» (دادستان، ۱۳۸۶: ۱۷۹). در جامعه پذیری، جامعه به القای ارزش ها و هنجارهای خویش به افراد نائل می آید (منطقی، ۱۳۸۳، ص ۵۸). از طریق اجتماعی شدن، فرد شیوه های زندگی جامعه خود را فرا می گیرد؛ شخصیتی کسب می کند و آمادگی رفتار به عنوان عضوی از یک جامعه را پیدا می کند. او یاد می گیرد خودش را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارات جامعه انجام دهد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۸۳: ۱۰۰). در واقع، انسان در فرآیند جامعه پذیری است که از طریق کنش های متقابل اجتماعی، شیوه راه رفتن و گفتن را می آموزد و به تدریج به کسب تجربه های مختلف می پردازد (ستوده، ۱۳۸۶: ۴۹). در این میان، جامعه نه تنها برای بقای خود، افراد جامعه را به شیوه های گوناگون آموزش می دهد تا آنها نمادها، الگوها، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی را در روابط متقابل خود به کار بگیرند، بلکه در تلاش است تا با دگرگونی هایی که در نظام اجتماعی و ترکیب افراد جامعه به علت مرگ و میر، زاد و ولد و مهاجرت رخ می دهد، به خودسازی و نوسازی خویش بپردازد تا از این طریق، درونی شدن عناصر اجتماعی در افراد جامعه امکان پذیر شود. برای اینکه جامعه دارای انسجام و دوامی معقول باشد، باید دارای اجماع و وفاق کافی باشد. انسجام و دوام بیشتر جامعه بستگی به میزان جامعه پذیری افراد دارد. اگر جامعه عناصر اجتماعی و فرهنگی خود را در مسیر خواسته های اجتماعی - اقتصادی افراد جامعه قرار دهد و با نیازهای آنها هم گامی کند، آموزش و جامعه پذیری افراد به سهولت انجام می شود. در غیر این صورت، ناسازگاری ها و ناکامی ها بروز خواهند کرد (سیف الهی، ۱۳۸۶، ۱۲۹).

جامعه امروزی با سرعت در حال دگرگونی و تغییر است. بندرت زمانی از زندگی ما پیدا می شود که در معرض تغییر و تحول نباشد و این تغییر چه خوب و چه بد به وقوع می پیوندد. پس چه بهتر که این تغییرات به سمت توسعه سوق داده شود. گرچه توسعه فرآیندی همه جانبه و چند بعدی می باشد، اما همواره آموزش و پرورش نقش اول را در هر فرآیند توسعه ایفا می کند. آموزش و پرورش کلید فتح آینده است و همان مرکبی است که بوسیله آن می توانیم به سوی آینده حرکت کنیم، پیشرفت ما در آینده تا آنجا خواهد بود که این وسیله کارایی، توانمندی و سرعت داشته باشد. وضعیت امروزین آموزش و پرورش هر کشور، حکایت از وضعیت فردای آن کشور دارد و هرکس می خواهد بداند کشورها فردا، چه شان و موقعیتی خواهند داشت، می تواند در آینه آموزش و پرورش امروز آنها نظر کند و فردایشان را تماشا کند. هر کس می خواهد حال فردایشان را تماشا کند. هر کس می خواهد حال فردای جامعه خود را پیش بینی کند، باید نبض آموزش و پرورش امروز جامعه را بدست گیرد و بیازماید (یحیی، ۱۳۹۱).

حال برای اصلاح و تحریک آموزش و پرورش، باید به عنصر اصلی و اساسی آن که " معلم " است توجه شود. زیرا معلم خوب، نشان دهنده آموزش و پرورش خوب است، معلمی که در تولید علم و آگاهی انتقال نور و روشنایی، تقویت اطلاعات و علوم بشری و ایجاد انقلاب علمی و اخلاقی و عقیدتی و افزایش توانایی های هنری و حرفه ای و رشد تخصص و تعهد در نسل های آینده، گامهایی هر چند بلندتر و بهتر بردارد. جهت پیشرفت زیر بنایی جامعه هر کشوری؛ دولت آن کشور باید بر روی جامعه معلمان آن کشور سرمایه گذاری کند؛ به نوعی که معلمانانی که دارای خصوصیات و رفتارهای موثر و سازنده باشد موجب پیشرفت آن جامعه می شود؛ لذا علاوه بر خصوصیات علمی می توان به نقش فرهنگ پذیری و مشارکت فرهنگی آنان اشاره

کنیم؛ به طور کلی می توان گفت که معلمانی که از فرهنگ پذیری بالایی برخوردار باشند موجب تحرک و جهش بیشتر آن جامعه می شود (منطقی، ۱۳۸۳).

در جامعه ای چون کشور ما از یک سو و به تبع آن شهر خاتم از سوی دیگر، نظام فرهنگ پذیری معلمان تحت تاثیر شرایط جهانی، ملی، مذهبی و قومی - محلی می باشد. اگر نهادهای متولی فرهنگ پذیری معلمان دچار نوعی روزمرگی و فعالیت های متعارض گردند؛ ارزش ها و رفتار های متعارض ناشی از این کانون های متعدد می تواند به بحران هویتی و رفتاری بیانجامد. همانطور که می دانیم از طریق فرهنگ پذیری معلمان، هویت ملی یک کشور به نسل های بعدی آن منتقل می شود تا این هویت دچار تغییر و تحولی غیر از آنچه که در روند طبیعی حاصل می شود نگردد (تقوی، ۱۳۹۲). در جامعه امروز ایران علی الخصوص شهر خاتم نیز بحث فرهنگ پذیری معلمان با توجه به درصد جمعیت بالای دانش آموزان و دانشجویان شهروند نسبت به کل جمعیت شهروندان مساله ای مهم است. به نظر می رسد، این لزوم توجه زمانی دارای اهمیت دو چندان می شود که پدیده های نوین و جدیدی چون جهانی شدن، ماهواره و گسترش ارتباطات جامعه را سخت تحت تاثیر خود قرار داده است. لذا بر این اساس، مدیریت فرهنگی - اجتماعی جامعه می بایست توجه لازم را به ماهیت و جایگاه نظام فرهنگ پذیری و مشارکت فرهنگی معلمان در توسعه جامعه پذیری دانش آموزان داشته باشد علاوه بر این عوامل متغییر مهم دیگری که در این تحقیق مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ مشارکت معلمان می باشد؛ مشارکت در جهان به مفهوم عمومی آن به معنای سهیم شدن در منافع حاصل از یک کار جمعی با عضویت در گروه خاص و فعالیت در یک عمل گروهی، تاریخی به اندازه زندگی بشر دارد. اما مشارکت اجتماعی به مفهوم خاص آن به نوعی با مفهوم مشارکت سیاسی عجین شده است. مسئله مشارکت اجتماعی در معنای وسیع کلمه که در برگیرنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه است در سال های اخیر به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است. مشارکت اجتماعی امروزه به عنوان مولفه اصلی توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع انسانی است و مفهوم و موضوع آن بخشی از ادبیات توسعه را تشکیل می دهد. بر این مبنا، نگرش نوین توسعه با تأکید بر اهمیت نقش مردم در فرایند توسعه و با رویکرد توسعه درونزا، به مردم به عنوان عناصر فعال و خلاق در روند توسعه می نگرد (نصیری، ۱۳۸۹: ۱۵).

از آنجایی که کشور ما نیز با برنامه ریزی های مختلف در صدد طی کردن مراحل توسعه می باشد باید به مشارکت به عنوان مولفه اساسی و تفکیک ناپذیر توسعه نگریسته شود و اعتقاد به لزوم مشارکت فعال گروه های وسیع جامعه در تصمیم گیری سیاسی و اجتماعی مورد تأکید قرار گیرد. وجه دیگر تحقیق سرمایه فرهنگی است. در کنار سرمایه اقتصادی به عنوان مالکیت ثروت های مادی یا مالی که عنصر مهمی در روابط اجتماعی به خاطر تقابل بالقوه فقرا و ثروتمندان است، انواع دیگری از سرمایه وجود دارند نقشی به همان اندازه مهم در پویایی اجتماعی بازی می کنند. بورديو همراه با سرمایه اقتصادی انواع دیگری از سرمایه را مشخص می کند که نقش مهمی در شکل گیری طبقات، گروه های اجتماعی و بازتولید اجتماعی دارد. از جمله این سرمایه ها، سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی همانا مجموعه ای از ثروت های نمادین است که از یک سو به معلومات کسب شده بر می گردد و از سوی دیگر به صورت موفقیت های مادی. این سرمایه به حالت عینیت یافته، میراث فرهنگی به شکل اموال (تابلوها، کتاب ها، واژه نامه ها و...) جلوه می کند و نیز می تواند به حالت نهادینه شده در جامعه به صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعدادهای فرد عینیت می بخشد، ظاهر می شود. سرمایه فرهنگی بدون کوشش شخصی کسب نمی شود و مستلزم کار طولانی، مداوم و پیگیری یادگیری و فرهنگ پذیری است.

بدون شک مسیر پیشرفت و توسعه یک کشور نیازمند مشارکت فرد فرد مردم یک جامعه است و این امر امکان‌پذیر نیست مگر در جوامعی که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی بالایی دارند. مشارکتی که لازمه توسعه پایدار است مشارکت همه اقشار و گروه‌ها (اعم از زنان و مردان) است و در این میان تردیدی نیست که نقش معلمان، به عنوان نیمی از پیکر جامعه، نقشی بسیار عظیم و نیرومند دارد. برای بررسی بهتر موضوع در این تحقیق سعی به بررسی و تحلیل تحقیق‌های مشابه گردیده که به شرح ذیل می‌باشد

فخرایی (۱۳۷۵) نقش خانواده در وجدان‌کاری، انضباط اجتماعی و انضباط اقتصادی را به روش کتابخانه‌ای- اسنادی انجام دادند. در این مطالعه محقق بر نقش خانواده به عنوان نخستین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی در فرآیند جامعه‌پذیری افراد تاکید دارد؛ و با ذکر اهمیت خانواده کارکردهای آن در سطوح مختلف جامعه به بحث در مورد رابطه‌ای که خانواده با مفاهیمی مثل وجدان‌کاری، انضباط اجتماعی و انضباط اقتصادی داشته باشد پرداخته است.

در تحقیقی که با عنوان جامعه‌پذیری دختران و پسران توسط محمود باباوغلی انجام گرفته است، مدرسه از جمله نهادهای موثر بر جامعه‌پذیری دختران محسوب می‌شود. دختران در مقایسه با پسران آمادگی روانی بیشتری جهت درونی کردن الگوهای فرهنگی از خود نشان می‌دهد و درصد تخلفات راهنمایی رانندگی به طور چشمگیری در بین خانم‌ها کمتر از آقایان است؛ و هم‌چنین دختران بیشتر از پسران جامعه‌پذیر می‌شوند.

ذوالفقاری زعفرانی و همکاران (۱۳۸۹) تحقیقی با عنوان بررسی تاثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان مقطع متوسطه رودهن به انجام رسانیدند. نتایج پیمایش نشان می‌دهد که بین مولفه‌های نهاد خانواده و مدرسه با نوع جامعه‌پذیری دانش‌آموزان تفاوت معناداری وجود دارد و هم‌چنین نتایج نشان داد که شدت تاثیر نهاد خانواده بر جامعه‌پذیری دانش‌آموزان بیشتر از نهاد مدرسه است.

نظم و انضباط مهاجران کره‌ای و شایستگی اجتماعی کودکان و مشکلات رفتاری آن‌ها: هدف از این مطالعه کشف رابطه بین نظم و انضباط مهاجران کره‌ای (مثل نظم و انضباط مثبت، مناسب و سخت)، شایستگی کودکان و مشکلات رفتاری آن‌ها است. اطلاعات خود گزارش‌دهی از ۵۸ مادر و ۲۰ پدر کودکان ۳ تا ۸ ساله جمع‌آوری شد. تنها نظم و انضباط خشن و سخت والدین با مشکلات رفتاری کودکان ارتباط مثبت داشت. در میان راهبردها و استراتژی‌های خاص نظم و انضباط، محبت فیزیکی مادر، اصلاح سوء رفتار و استدلال با شایستگی کودکان رابطه مثبت وجود داشت. هم‌چنین تنبیه فیزیکی توسط پدر با مشکلات رفتاری کودکان رابطه مثبت داشت. پدران مهاجر نیاز به یادگیری راه‌های جایگزین برای مدیریت سوء رفتار کودکان داشتند.

مشکلات انضباطی در دوره آموزش متوسطه: یک نمونه از آماز، با برخی فعالیت‌ها مثل فعالیت‌های هدفمند، محیط مناسب، عادات همکاری و خودکنترلی در تعریف نظم و انضباط اهمیت زیادی دارد. مشکل انضباط با انگیزش برای فرایند یادگیری نسبت معکوس دارد (لاسینا-گیفورد و همکاران، ۲۰۰۰). به خاطر این‌که فردی که مشغول یادگیری است این یک نیاز برای اوست که در موقعیت یادگیری فعالانه شرکت کند. مشکلات انضباطی در آموزش و تدریس می‌تواند به دو روش مطرح شود: اول این‌که مشکلات انضباطی در سرتاسر مدرسه موجود است و دوماً مشکلات انضباطی به طور مستقیم برون داد آموزش و موقعیت‌های تدریس در کلاس را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بین مشکلات انضباطی دانش‌آموزان و فاکتور- های معلمان و مدیران رابطه وجود دارد و این فاکتورها (معلمان و مدیران) در مشکلات انضباطی نقش مهمی دارند.

بررسی سطوح جامعه‌پذیری گروهی از دانشجویان درگیر در فعالیت‌های ورزشی فردی و گروهی: در این مطالعه مقیاس جامعه-پذیری ساهان (۲۰۰۷) بکار رفت و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف و تحلیل واریانس دو طرفه مورد

استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که دانشجویانی که در ورزش‌های گروهی فعالیت می‌کنند سطوح جامعه‌پذیری بالاتری نسبت به دانشجویانی دارند که در ورزش‌های فردی شرکت می‌کنند. متغیرهای رشته تحصیلی و نوع دانشکده نیز در سطوح جامعه‌پذیری دانشجویان تاثیر دارد.

لوین (۱۹۹۶) پژوهشی تحت عنوان کامپیوترها به عنوان جامعه‌پذیری و سرگرمی بچه‌ها و صفحات وب به خود اختصاص داده است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است جنبه‌های مثبت و منفی جامعه‌پذیری را بررسی می‌کند: روحیه خود سودمندی، عینی بودن و بی‌تعصب بودن از جنبه‌های مثبت جامعه‌پذیری و ایجاد رفتارهای خشونت‌آمیز، مدل‌های نقش غیر-کارکردی، اعتیاد به کامپیوتر و بلوغ زودرس از جنبه‌های منفی جامعه‌پذیری کامپیوترها بر شمرده است (به نقل از زعفرانی و دیگری، ۱۳۸۹).

بامرنید (۲۰۰۰) تحقیقی تحت عنوان جامعه‌پذیری و شیوه‌های مختلف برخورد والدین با فرزندان انجام داده است. او در این تحقیق تاثیر شیوه‌های استبدادی، آسان‌گیر، امتناع و اقتداری چهار نوع برخورد والدین با فرزندان را نشان می‌دهد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که شیوه اقتداری تاثیر بیشتری در درونی کردن هنجار-های موردنظر در فرزندان دارد (همان منبع).
اسمدی (۲۰۰۱) تحقیقی تحت عنوان جامعه‌پذیری بچه‌هایی که در خانه آموزش می‌بینند انجام داده است که به این نتایج رسیده است که: بچه‌هایی که در خانه آموزش دیده‌اند بهتر از بچه‌هایی که در مدارس عمومی آموزش دیده‌اند به بلوغ رسیده‌اند. اولین چیزی که سریعاً به ذهن می‌رسد این است که خانواده، بچه‌هایی که در خانه آموزش می‌بینند به اندازه کافی نیازهای جامعه‌پذیری آن‌ها را برآورده می‌کنند و معنای عمیق‌تر این است که ما نیاز به یک تجدیدنظر در انگاشته‌های جامعه‌پذیری داریم به طور کلی در این تحقیق سعی می‌شود به بررسی رابطه بین فرهنگ پذیری و میزان مشارکت فرهنگی معلمان در بالا بردن جامعه‌پذیری دانش‌آموزان پرداخته شود.

روش‌شناسی تحقیق:

مطالعه حاضر توصیفی پیمایشی از نوع پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری، کلیه معلمان شهرستان قزوین می‌باشند، که با توجه به تعداد کل جامعه آماری با استفاده از روش تصادفی، ۲۵۰ نفر به به عنوان حجم نمونه آماری و پس از تشریح اهداف پژوهش و جلب مشارکت آزمودنی‌ها، به بررسی و اجرای ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرداخته شد. ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق پرسشنامه استاندارد فرهنگ‌پذیری و همچنین پرسشنامه استاندارد تائورمینا (۱۹۹۴) می‌باشد که اعتبار روایی آن‌ها مورد تایید اساتید متخصص و پایایی آن‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب با ضریب ۰/۷۴ و ۰/۸۰ برآورد و تایید شد. داده‌های خام تحقیق حاضر با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

تحلیل یافته‌های تحقیق:

در این بخش از تحقیق به بررسی مشخصات دموگرافیک جامعه آماری و وبه بررسی میانگین نمرات فرهنگ‌پذیری و مشارکت فرهنگی آنان پرداخته شده است؛ که زنان با ۵۲/۴ درصد از کل جامعه آماری بیشترین تعداد از جامعه آماری را نسبت به مردان تشکیل داده که از کل جامعه آماری مورد نظر ۶۷/۸ درصد از آنها مجرد و بقیه آنها متأهل می‌باشد؛ که یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که میانگین مشارکت فرهنگی و فرهنگ‌پذیری زنان نسبت به مردان بیشتر و همچنین میزان مشارکت فرهنگی کل جامعه آماری نسبت به فرهنگ

پذیری بیشتر می باشد؛ لازم به ذکر است که در این بخش به بررسی اطلاعاتی وضعیت تاهل؛ تحصیلات؛ حالت اشتغال؛ محل سکونت و محل کار پرداخته شده است؛ که جزییات آن در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

جدول ۱) میانگین نمرات فرهنگ پذیری و مشارکت فرهنگی بر حسب متغیرهای مختلف

متغیر	شاخص آماری	M			میانگین فرهنگ پذیری			میانگین مشارکت فرهنگی		
		P	SD	M	P	SD	M	P	SD	M
جنس	مرد	۰/۴۷	۱۲/۵۴	۵۱/۱	۰/۰۱	۱۱/۱۴	۲۱/۲۲	۴۷/۶		
	زن		۱۳/۰۹	۵۲/۰۹		۱۱/۲۷	۲۲/۷۵	۵۲/۴		
تاهل	مجرد	۰/۱۷	۱۱/۴	۳۹/۲	۰/۰۵	۱۲/۵۴	۲۶/۰۲	۶۷/۸		
	متاهل		۱۱/۶	۴۱/۳		۱۲/۳۲	۲۸/۷۸	۳۲/۲		
تحصیلات	زیردیپلم و دیپلم	۰/۰۱۱	۹/۶	۵۳/۹	۰/۰۳	۱۳/۰۹	۳۹/۸۴	۱۹/۴		
	فوق دیپلم		۱۱/۱۲	۴۷/۷		۱۱/۲۳	۳۰/۱۷	۲۸/۴		
	لیسانس و بالاتر		۱۲/۱۴	۳۷/۶		۱۱/۱۴	۱۹/۲۱	۵۲/۵		
حالت اشتغال	رسمی	۰/۰۰۴۴	۱۳/۴	۴۳/۳	۰/۰۰۲	۹/۲۳	۳۲/۴۱	۵۹/۳		
	پیمانی		۱۴/۲	۴۱/۱		۹/۰۶	۳۰/۷۷	۲۶/۲		
	طرحی		۱۱/۴	۴۲/۹		۱۰/۱۲	۱۹/۱۳	۱۴/۵		
محل سکونت	شهری	۰/۰۰۹	۶/۵۱	۵۶/۲	۰/۰۰۳	۶/۴۲	۲۰/۲۵	۸۷/۶		
	روستایی		۶/۱۲	۴۱/۳		۷/۳۴	۴۹/۵۲	۱۲/۴		
محل کار	شهری	۰/۰۸۹	۴/۲۷	۶۲/۶	۰/۰۰۸	۸/۴۱	۱۹/۲۸	۵۱/۱		
	روستایی		۳/۰۹	۳۹/۸		۹/۱۲	۳۱/۲۶	۴۸/۹		

بررسی فرضیه های تحقیق:

فرضیه شماره اول: بین فرهنگ پذیری معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان رابطه ی معناداری وجود دارد. با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (فرهنگ پذیری معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان) در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۲: خروجی آزمون پیرسون برای بررسی فرهنگ پذیری معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
جامعه پذیری معلمان	فرهنگ پذیری	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰	۲۵۰

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده میشود رابطه بین فرهنگ پذیری با جامعه پذیری دانش آموزان با ضریب همبستگی ۰/۲۵۴ معنی‌دار شده است ($Sig= ۰/۰۰۰$) و رابطه مستقیم و متوسط بین دو متغیر وجود دارد. به این معنا که با افزایش فرهنگ پذیری معلمان میزان جامعه پذیری دانش آموزان بالا می‌رود و با کاهش میزان فرهنگ پذیری معلمان میزان جامعه پذیری دانش آموزان نیز کاهش می‌یابد.

فرضیه شماره دوم: آیا مشارکت فرهنگی معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟
با توجه به این‌که هر دو متغیر این فرضیه (مشارکت فرهنگی معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان) در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است که خروجی آن در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۳: خروجی آزمون پیرسون برای بررسی مشارکت فرهنگی معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
جامعه پذیری دانش آموزان	مشارکت فرهنگی	۰/۳۷۴	۰/۰۰۱	۲۵۰

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود رابطه بین تعهد سازمانی و بعد مسئولیت‌پذیری اخلاق حرفه‌ای با ضریب همبستگی ۰/۳۷۴ معنی‌دار شده است ($Sig= ۰/۰۰۱$) و رابطه مستقیم و متوسط بین دو متغیر وجود دارد. به این معنا که با افزایش مشارکت فرهنگی معلمان، جامعه پذیری معلمان نیز افزایش می‌یابد، بنابراین فرضیه بین مشارکت فرهنگی معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان رابطه وجود دارد تأیید می‌شود.

فرضیه شماره سوم: آیا بین فرهنگ پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

باتوجه یافته‌های موجود و بدست آمده از تحقیق می‌توان اشاره کرد که بین فرهنگ پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه‌ی مستقیم و موازی وجود دارد؛ به نوعی که هرچه فرهنگ پذیری معلمان بالا باشد به همان نسبت سازگاری اجتماعی دانش آموزان نیز بالا می‌رود؛ و هرچه فرهنگ پذیری معلمان پایین باشد به همان نسبت سازگاری اجتماعی آنان نیز پایین می‌آید.

جدول شماره ۴: خروجی آزمون پیرسون برای بررسی فرهنگ پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
سازگاری اجتماعی	فرهنگ پذیری معلمان	۰/۲۰۴	۰/۰۰۸	۲۵۰

فرضیه شماره چهارم: آیا بین مسئولیت پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

جدول شماره ۵: خروجی آزمون پیرسون برای بررسی بین مشارکت فرهنگی معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	تعداد
مسئولیت پذیری معلمان	مشارکت فرهنگی معلمان	۰/۲۴۴	۰/۰۰۶	۲۵۰

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود رابطه بین مسئولیت پذیری با سازگاری اجتماعی دانش آموزان با ضریب همبستگی ۰/۲۴۴ معنی‌دار شده است ($Sig= ۰/۰۰۶$) و رابطه مستقیم و ضعیفی بین دو متغیر وجود دارد. به این معنا که با افزایش مسئولیت پذیری معلمان بعد سازگاری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد، بنابراین فرضیه بین مسئولیت پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه وجود دارد تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق سعی شد به بررسی نقش فرهنگ پذیری و مشارکت فرهنگی معلمان با میزان جامعه پذیری دانش آموزان پرداخته شود. با توجه به بررسی و تحلیل یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ پذیری و مشارکت فرهنگی معلمان زن بیشتر بوده و همچنین می‌توان اشاره کرد که هرچه میزان فرهنگ پذیری و مشارکت فرهنگی معلمان بیشتر و بالاتر باشد میزان جامعه پذیری دانش آموزان نیز بالاتر می‌باشد به نوعی می‌توان به این اشاره کنیم که؛ بین متغیرهای فرهنگ پذیری و مشارکت های فرهنگی با جامعه پذیری دانش آموزان و ابعاد آن رابطه موزی و مستقیم و همبستگی مثبتی وجود دارد. به طور کلی نتایج فرضیات تحقیق را می‌توان به شرح ذیل اعلام کرد:

فرضیه شماره اول اینچنین مطرح شد که، بین فرهنگ پذیری معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان رابطه‌ی معناداری وجود دارد، با توجه به این‌که هر دو متغیر این فرضیه (فرهنگ پذیری معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان) در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی این فرضیه استفاده شده است همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد رابطه بین فرهنگ پذیری با جامعه پذیری دانش آموزان با ضریب همبستگی ۰/۲۵۴ معنی‌دار شده است ($Sig= ۰/۰۰۰$) و رابطه مستقیم و متوسط بین دو متغیر وجود دارد. به این معنا که با افزایش فرهنگ پذیری معلمان میزان جامعه

پذیری دانش آموزان بالا می رود و با کاهش میزان فرهنگ پذیری معلمان میزان جامعه پذیری دانش آموزان نیز کاهش می یابد.

فرضیه شماره دوم اشاره می کند که، بین مشارکت فرهنگی معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان رابطه ی معناداری وجود دارد. با توجه به این که هر دو متغیر این فرضیه (مشارکت فرهنگی معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان) در سطح فاصله ای اندازه گیری شده اند همان گونه که در جدنتایج بیان شد رابطه بین تعهد سازمانی و بعد مسئولیت پذیری اخلاق حرفه ای با ضریب همبستگی $0/374$ معنی دار شده است ($Sig= 0/001$) و رابطه مستقیم و متوسط بین دو متغیر وجود دارد. به این معنا که با افزایش مشارکت فرهنگی معلمان، جامعه پذیری معلمان نیز افزایش می یابد، بنابراین فرضیه بین مشارکت فرهنگی معلمان با جامعه پذیری دانش آموزان رابطه وجود دارد تأیید می شود.

فرضیه شماره سوم اینچنین مطرح شد که بین فرهنگ پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه ی معناداری وجود دارد. با توجه یافته های موجود و بدست آمده از تحقیق می توان اشاره کرد که بین فرهنگ پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه ی مستقیم و موازی وجود دارد؛ به نوعی که هرچه فرهنگ پذیری معلمان بالا باشد به همان نسبت سازگاری اجتماعی دانش آموزان نیز بالا می رود؛ و هرچه فرهنگ پذیری معلمان پایین باشد به همان نسبت سازگاری اجتماعی آنان نیز پایین می آید.

فرضیه شماره چهارم اشاره می کند که بین مسئولیت پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه ی معناداری وجود دارد. رابطه بین مسئولیت پذیری معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان با ضریب همبستگی $0/244$ معنی دار شده است ($Sig= 0/006$) و رابطه مستقیم و ضعیفی بین دو متغیر وجود دارد. به این معنا که با افزایش مسئولیت پذیری معلمان بعد سازگاری اجتماعی نیز افزایش می یابد، بنابراین فرضیه بین مشارکت فرهنگی معلمان با سازگاری اجتماعی دانش آموزان رابطه وجود دارد تأیید می شود.

منابع:

۱. ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۹۰)، جامعه شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم عراقی، انتشارات نی.
۲. بهزادی شینی، فاطمه. (۱۳۸۹). رابطه ی بین جایگاه مهار، کمال گرایی و خودکارآمدی با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۳. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، ص ۲۵۷
۴. تقوی، نعمت الله (۱۳۹۲)، جامعه شناسی خانواده، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، ص ۷-۸.
۵. جمشیدی، بهنام، حسین چاری، مسعود، حقیقت، شهربانو، رزمی، محمدرضا (۱۳۸۸) اعتباریابی مقیاس جدید کمالگرایی، مجله علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۱.
۶. شولتز، دوان پی؛ شولتز، سیدنی ال. (۱۳۹۱) نظریه های شخصیت، ترجمه سید محمدی، یحیی، انتشارات هما.
۷. میربهاءالدینی، رضا و زکی، محمدعلی (۱۳۹۱)، کیفیت زندگی خانواده و نقش آن در جامعه پذیری فرزندان، مجله فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده مرکز مطالعات زنان و خانواده، انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۸. محمد امین زاده، دانا؛ هیمن شکرالله زاده و نورانی، امین (۱۳۹۴)، بررسی رابطه هوش هیجانی و کمالگرایی در دانشجویان، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی یافته های نوین پژوهشی در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران، موسسه آموزش عالی نیکان.
۹. فورسایت، دانلسن (۱۳۸۰)، پویایی گروه، ترجمه جعفر نجفی زند، حسن پاشا شریفی، تهران، انتشارات دوران، ص ۳۷-۴۰.
۱۰. نقدی، اسدالله و روشنایی، علی (۱۳۹۱)، روشهای تربیتی (جامعه پذیری) پدران در خانواده های ایرانی از نگاه جوانان، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. چاپ چهارم، شماره سوم؛ صص ۳۳-۵۲.

11. Allen, N.J. and Meyer, J.P. (1990), "Organizational socialization tactics: longitudinal analysis of links to newcomers' commitment and role orientation", *Academy of Management Journal*, Vol. 33, pp. 847-58.
12. Anderson, N. and Ostroff, C. (1997), "Selection as socialization", in Anderson, N. and
13. Ashford, S.J. and Cummings, L.L. (1983), "Feedback as an individual resource: personal
14. Ashforth, B.E. and Saks, A.M. (1996), "Socialization tactics: longitudinal effects. on newcomer adjustment", *Academy of Management Journal*, Vol. 39, pp. 149-78.
15. Ashforth, B.E., Saks, A.M. and Lee, R.T. (1997), "On the dimensionality of
16. Bauer, T.N. and Green, S.G. (1994), "The effect of newcomer involvement in work-related activities: a longitudinal study of socialization", *Journal of Applied Psychology*, Vol. 79 No. 2, pp. 211-23.
17. Bauer, T.N., Morrison, E.W. and Callister, R.R. (1998), "Organizational socialisation: a review and directions for future research", in Ferris, G.R. (Ed.), *Research in Personnel and Human Resources Management*, Vol. 16, JAI Press, Greenwich, CT, pp. 149-214.
18. Bauer, T.N., Bodner, T., Erdogan, B., Truxillo, D.M. and Tucker, J. (2006), "Newcomer adjustment during organizational socialization: a meta-analytic review of antecedents, outcomes, and methods", unpublished manuscript.
19. Becker, T. (2002), "A mostly informal analysis of our marketplace of ideas", *The Industrial- Black, J. and As Organizational Psychologist*, Vol. 40 No. 2, pp. 77-84.
20. Casey, M.K., Miller, V.D. and Johnson, J.R. (1997), "Survivors' information seeking following a reduction in workforce", *Communication Research*, Vol. 24 No. 6, pp755-81.
21. Chan, D. and Schmitt, N. (2000), "Interindividual differences in intraindividual changes in proactivity during organizational entry: a latent growth modeling approach to understanding newcomer adaptation", *Journal of Applied Psychology*, Vol. 85
22. Herriot, P. (Eds), *International Handbook of Selection and Assessment*, John Wiley, Chichester, pp. 413-40.
23. hford, S.J. (1995), "Fitting in or making jobs fit: factors affecting mode of
24. adjustment for new hires", *Human Relations*, Vol. 48 No. 4, pp. 421-37.

25. Jones' (1986) measures of organizational socialization tactics", *International Journal of Selection and Assessment*, Vol. 5 No. 4, pp. 200-14.
26. Rosario, P., Costa, M., Núñez, J.C., González-Pienda, J., Solano, P., Valle, A. (2009). Academic procrastination: Associations with personal, school, and family variables. *Span. J. Psychol.*, 12(1): 118-127
27. Yao, M.A. (2009). An Exploration of Multidimensional Perfectionism, Academic Self-Efficacy, Procrastination Frequency, and Achievement in In Asian American University Students. Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy in the Graduate School of The Ohio State University.
28. strategies of creating information", *Organizational Behavior and Human Performance*, Vol. 32, pp. 370-98.

Abstract

The research tries to investigate the relationship between acculturation and the amount of cultural participation of teachers in increasing the sociability of students; The present study is a descriptive survey of the type of correlational research. The statistical population is all the teachers of Qazvin city, which according to the total number of the statistical population, using Kerchesi and Morgan's table, 250 people as the statistical sample size and after explaining the objectives of the research and attracting the participation of the subjects, were investigated. And the implementation of measurement tools was discussed in this research. The measurement tool in this research is the standard acculturation questionnaire and also the Taormina standard questionnaire (1994), the validity of which was confirmed by expert professors and their reliability was estimated with coefficients of 80% and 0.74 respectively using Cronbach's alpha test. Confirmed. The results of the findings showed that there is a direct and linear relationship between acculturation and the amount of cultural participation of teachers in increasing the sociability of students.

Keywords: acculturation, cultural participation, sociability, students.
